

## بررسی فرایندهای آوایی در گویش آباده طشک در مقایسه با فارسی معیار با استفاده از واج‌شناسی زایشی

فرانک رضانی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران)

صص: ۲۹۷-۲۷۵

### چکیده

زبان به عنوان یک ابزار ارتباط و گویش‌های به عنوان بخش‌های در معرض تغییر و تکامل یک زبان همواره مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند. از نظر زبان‌شناسان، عوامل جغرافیایی و اجتماعی در بروز و پیدایش گویش‌ها تاثیر دارند. گردآوری و مستندسازی گویش‌های محلی، برای طبقه‌بندی گویش‌های ایران، و تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی اهمیت بسزایی دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی تطبیقی ساختار دستوری-واژگانی دو گونهٔ زبانی لری آباده و فارسی نو است و داده‌ها در این پژوهش کیفی به روش پرسشنامه و از طریق مصاحبه با گویشوران این دو گونهٔ زبانی و نیز منابع معتبر گردآوری شده‌اند. در حقیقت این پژوهش می‌کوشد تا با مقایسهٔ ساختار دو گویش لری آباده و فارسی نو نشان دهد که ساختار واژگانی و آوایی آن‌ها چگونه است و در گذر زمان دستخوش چه تغییراتی شده‌اند؟ با بررسی و تحلیل واژه‌های گویشی، برخی ابهامات متون فارسی نوشته شده به خطوط ایرانی با خط عربی-فارسی نیز برطرف می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که ساخت آوایی گویش آباده (لری) به لحاظ دستوری و واژگانی با فارسی نو پیوند نزدیکی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** تغییر آوایی، آباده طشک، زبان فارسی، فرایندهای آوایی، گویش‌شناسی

## ۱. مقدمه

زبان مهم‌ترین ابزاری است که انسان برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌کند. زبان از ابتدا به این گونه و شکل نبوده و به دلایل گوناگون دگرگونی‌های فراوانی را پذیرفته‌است و گویش‌ها و زبان‌های متعددی از آن به وجود آمده‌اند. ساختار دستوری و واژگانی گویش آباد طشک از زبان‌های ایرانی باستانی و میانه و فارسی تأثیر فراوانی پذیرفته‌است.

در طول تاریخ، پیوسته عوامل بسیاری سبب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زبان‌های گوناگون بر یکدیگر بوده‌اند. علاوه بر رابطه تنگاتنگ و اشتراک‌های فراوانی که بین زبان‌های یک خانواده زبانی هست، کم‌تر زبانی یافت می‌شود که از این اثرگذاری و اثرپذیری در امان بوده باشد. گویش‌های ایرانی بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور هستند و نگهداری و نگهبانی و بهره‌برداری از این گویش‌ها به عهده کسانی است که به فرهنگ‌ها و زبان‌های ایرانی دلبستگی دارند. این گویش‌ها، همچون آینه تمام‌نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنه وسیعی از ایران زمین می‌زیستند و به‌راستی سرمایه ارزشمندی است که در بردارنده هویت ملی ماست. گویش لری آباد طشک از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است. آباد طشک جزو استان فارس که در شرق شهر شیراز، شهری است واقع در ساحل دریاچه بختگان (دریاچه‌ای نمکی به مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع) و دریاچه طشک در استان فارس، بین شهرستان‌های آباد، مرودشت، شیراز، استهبان و همچنین بخش مرکزی محدود است که به مناسبت یکی از روستاهای نزدیک آن به نام «طشک» و به دلیل مجاورت دریاچه نرگس یا طشت به این نام معروف شده است. گویشی که مردم آباد طشک با آن سخن می‌گویند، برگرفته از گویش لری است و گویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است.

شایان ذکر است که دو گونه زبانی لری و فارسی (زبان لری و زبان فارسی) دنباله زبان فارسی میانه هستند. امروزه گونه زبانی لری آباد طشک کمابیش در حال منسوخ شدن است و هر چند این گونه زبانی در لهجه فارسی گویشوران آباد طشک اثرگذار بوده است، اما گویش لری آباد فاقد گویش بومی شده است. امروزه عواملی مانند قدرت‌گرایی، تغییرات آوایی، آمیخته شدن مراتب زبانی، آمیخته شدن زبان شکسته با زبان ادبی، سلطه زبان قدرت و ترجمه‌های ضعیف و غیرعلمی که تهدیدی برای زبان فارسی و گویش‌های محلی به‌شمار می‌روند، سبب زوال و نابودی برخی گونه‌های زبانی همچون گونه لری آباد شده‌اند. یکی از

دلایل اصلی زوال زبان‌ها و گویش‌ها در عصر کنونی عدم استفاده یا استفاده محدود از آن‌ها در میان قشر جوان و تحصیل کرده است. راه حل این تهدیدها در آن است تا حق شناخت و استفاده دقیق از زبان و گویش‌ها را ادا کنیم و سرمایه بزرگ فرهنگی، ادبی و شعر حفظ شود و زبان فقط در عرصه ادب استفاده نشود و کاربردهای دیگری هم از آن به عمل آید.

اولین کوشش در راه شناخت و بررسی ماهیت گویش آباده طشک آن است که نخست، واقعیت‌ها و پدیده‌های عینی و محسوس زبانی، گردآوری شده، طبقه‌بندی و فهرست‌بندی شوند. «گویش» یک گونه زبانی است که علاوه بر تلفظ، در انتخاب واژگان و نیز قواعد دستوری با دیگر گونه‌های آن زبان تفاوت دارد. گویش‌های محلی، پشتوانه‌ای برای زبان و ادبیات رسمی کشور به شمار می‌روند. چه بسا انتقال واژه‌های محلی به فرهنگ رسمی جامعه، نیازمندی‌های جدید را به بهترین روش پاسخ گوید، و دستگاه‌هایی همچون: فرهنگستان‌ها را از کاربرد جدید واژه‌ها بی‌نیاز می‌کند. زبان هر سرزمین برگرفته از فرهنگ و تمدن و حوادث و اتفاقاتی است که در آن رخ داده، و آن را مورد تأثیر خود قرار داده است. مهاجرت‌های متقابل، دادوستد با همسایگان و جنگ‌ها، همگی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری زبان هر سرزمین دارند.

گویش‌ها و لهجه‌های هر زبان، کارآمدترین ابزار در بررسی و زنده نگه‌داشتن زبان و فرهنگ است که به دلیل ویژگی آزاداندیشی و نگاه غیررسمی، کمتر دستخوش دگرگونی می‌شوند. لهجه‌هایی که امروزه در روستاها و شهرهای کوچک دورافتاده دارای گویشور هستند، بیشتر بازمانده زبان‌های باستانی و محلی ما هستند، و برای بررسی‌های زبان‌شناسی ارزنده و پرجای است. هدف پژوهش حاضر، در واقع، بررسی مقایسه‌ای ساختار دستوری-واژگانی دو گونه زبانی لری آباده و فارسی می‌باشد.

گردآوری و مستندسازی گویش‌های محلی، برای طبقه‌بندی گویش‌های ایران، و تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی اهمیت بسزایی دارد. با بررسی و تحلیل واژه‌های گویشی، برخی ابهامات متون فارسی نوشته شده به خطوط ایرانی با خط عربی-فارسی نیز برطرف می‌شود. فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم می‌تواند از واژه‌های گویشی، به ویژه اصطلاحات محلی پیشه‌ها در معادل‌سازی بهره‌گیرد. افزون بر این، با توجه به این که فرهنگ عامه، عمدتاً جنبه زبانی دارد، مردم‌شناسان نیز می‌توانند از دستاوردهای این تحقیقات استفاده کنند. در روزگار

کنونی به سبب گسترش فن آوری نوین ارتباطات، بسیاری از گویش‌های ایرانی خاموش شده‌اند و بسیاری دیگر، رو به فراموشی سپرده شده و کم‌کم جای خود را به فارسی رسمی می‌دهند. پس جا دارد تا هر چه سریع‌تر در جهت شناسایی و مستندسازی این میراث معنوی گام برداریم، تا هم زمینه تحقیق برای دانش پژوهان امروزی فراهم شود و هم نسل آینده بتواند از این داده‌ها در مباحث علمی استفاده کنند (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰).

همچنین فرایند جهانی شدن در دنیای امروز موجب شده است که انسان‌های روی زمین همه به سوی داشتن فرهنگی یکسان پیش بروند، به طوری که خوراک و پوشاک و طرز تفکر و عادات و رسوم جوامع مختلف تقریباً همسان شده است. در نگاه اول این همسانی یا جهانی شدن امری پسندیده و خالی از اشکال به نظر می‌رسد، اما به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران همسانی فرهنگی و فکری، تنوع تفکر و اندیشه را از بین می‌برد و خسارات جبران‌ناپذیری به اکوسیستم انسانی وارد می‌سازد و لازم است نسبت به مغلوب شدن خرده فرهنگ‌ها و زبان‌های اکثر جوامع جهان در مقابل فرهنگ‌ها و زبان‌های جوامع دارای فرهنگ غالب واکنش نشان دهیم. از همین رو، مرگ یک گویش را می‌توان در حکم مرگ یک فرهنگ دانست (پرمن،<sup>۱</sup> ۱۳۹۱: ۱۴).

حفظ گویش‌های محلی در کشورمان، به خصوص گویش‌هایی که در خطر نابودی هستند، ضروری به نظر می‌رسد. ساختار گویش آواده طشک از زبان‌های ایرانی باستانی و میانه و فارسی تاثیر فراوانی پذیرفته است. فرایندهای واجی موجود در گویش آواده طشک به دلایل گوناگونی از جمله: کم‌سوادگی گویشوران، ساده‌تر شدن واژه‌ها و ردپای به جا مانده از زبان‌های باستانی و میانه ایجاد شده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با مقایسه ساختار دو گویش لری آواده و فارسی نو نشان دهد که ساختار دستوری و واژگانی آن‌ها چگونه است و در گذر زمان دستخوش چه تغییراتی شده‌اند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

زارع و دمیری، (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مقایسه فرایندهای واجی لهجه آواده طشک و زبان فارسی معیار در قالب نظریه بهینگی» پرداختند. هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل چند

فرایند واجی پرکاربرد در لهجه مربوط به آباده طشک در قالب نظریه بهینگی واج شناسی است. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و در جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور ۵ ساعت مکالمه تلفنی گویشوران مونث سنین بین ۳۰ تا ۶۰ سال ضبط گردیده و سپس این آواها طبقه‌بندی و آوانویسی شده است. سپس با تجزیه تحلیل داده‌ها در قالب اصول واج‌شناسی بهینگی محدودیت‌های حاکم بر صورت‌های بهینه در لهجه آباده طشک مشخص شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صورت‌های بهینه لهجه آباده طشک غالباً محدودیت‌های نشاننداری بر صورت‌های بهینه حاکم است.

امیری و زارعی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «بررسی واج شناسی گویش آباده‌ای» نوشته‌اند. هدف مطالعه حاضر بررسی ساخت واجی گویش آباده‌ای (از گویش‌های استان فارس) است. برای این منظور، از گویشوران سالخورده و مناسب برای مطالعه (با حداقل چهار دندان پیشین بالایی) و مقیم آباده مصاحبه‌هایی انجام و یادداشت‌ها و مطالب ضبط شده بررسی شده است. در این پژوهش، سؤالاتی درباره همخوان‌ها و واژه‌های موجود در گویش آباده‌ای و فرایندهای واجی و ساختمان هجا مطرح و پاسخ گفته شده است. در گویش آباده‌ای، همانند فارسی معیار، ۲۳ همخوان و ۸ واژه وجود دارد و آهنگ جمله و الگوی تکیه در این گویش همانند فارسی معیار است. تعدادی فرایند واجی نیز می‌وان یافت که در متفاوت کردن واژه‌های آباده‌ای از دیگر گویش‌ها نقش دارند. برخی از این فرایندها عبارتند از: همگونی و ناهمگونی، همخوانی، افزایش، حذف، قلب و ابدال.

### ۳. روش پژوهش

ماهیت روش شناختی پژوهش حاضر که از نوع کیفی است، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از روش میدانی و از طریق مصاحبه با گویشوران دو گونه زبانی گردآوری شده‌اند. در این مصاحبه تعداد سی نفر در سنین سی تا شصت سال، ساکن در منطقه آباده طشک، در یک بازه زمانی پنج روزه شرکت کردند. برای اطمینان بیش‌تر و رسیدن به نتایج بهتر، در هنگام نیاز، از منابع مکتوب بهره برده شده است. تعداد بسیاری واژه و عبارت و جمله از گویش آباده طشک و با کمک گویشوران منطقه گردآوری شد. پس از تحلیل واژه‌ها و عبارات، واج‌های این گویش استخراج و طبقه‌بندی شده و سپس، از نظر دستوری، واژگانی و آواشناسی مورد بررسی قرار گرفتند.

## ۴. مبانی نظری پژوهش

## ۴.۱. گویش

اگر زبان را به صورت مجموعه ای در نظر بگیریم، گویش عضوی از این مجموعه است که جدا از برخی از تفاوت‌ها و تغییرها، تمامی ویژگی‌های زبان را در خود دارد. در تعریف گویش چنین می‌گویند "نظام زبانی خاصی که در ناحیه جغرافیایی ویژه ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و از نظر دستوری و واژگانی با زبان معیار کاملاً متفاوت باشد به طوری که بدون آموزش درک آن میسر نگردد. مانند گویش کردی، گویش آذری، گویش گیلکی". (صفوی، ۱۳۶۰. ۱۲، ۳۷، ۴۰) در این جا ممکن است برخی به اشتباه گویش را با لهجه یکی بدانند؛ به این دلیل که گویش، همان طور که از تعاریف برمی آید، مانند زبان ساختار آوایی، دستوری و واژگانی خاص خود را دارد؛ در صورتی که لهجه تنها تفاوت آوایی میان دو گونه زبانی است. "گویش به تفاوت‌های لغوی، دستوری و تلفظی میان دو گونه زبانی گفته می‌شود. گویشها نیز همچون زبان‌ها در پی عوامل گوناگون و نیازهای جوامع به وجود آمده‌اند؛ عواملی مانند شرایط جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی و غیره. با توجه به این که گویش‌ها زیر مجموعه زبان‌ها شمرده می‌شوند، بدون شک از آن‌ها منشعب شده‌اند". (همان، ۲۱).

گویشی که مردم آباد طشک با آن سخن می‌گویند، گونه‌ای از گویش لری است و گویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است و از نظر آوایی با این زبان‌ها بسیار نزدیک است به طوری که می‌توان نظام آوایی آن را با نظام آوایی فارسی میانه یکسان شمرد. آباد طشک جزو استان فارس که در شرق شهر شیراز، شهری است واقع در ساحل دریاچه بختگان (دریاچه‌ای نمکی به مساحت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع) و دریاچه طشک در استان فارس، بین شهرستان‌های آباد، مرودشت، شیراز، استهبان و هم چنین بخش مرکزی محدود است که به مناسبت یکی از روستاهای نزدیک آن به نام "طشک" و هم چنین به دلیل مجاورت دریاچه نرگس یا طشت به این نام معروف شده است (احمدخانی، ۱۳۹۸. ۳ و ۴).

## ۴.۲. واج‌شناسی زایشی

در این بخش با توجه به اهمیت واج‌شناسی زایشی که از دیدگاه‌های متداول در این چند دهه بوده است، به ذکر توصیفی مختصر از آن پرداخته می‌شود. در واج‌شناسی زایشی توالی آوایی زیرساختی، با استفاده از قواعد گشتاری به روساخت تبدیل می‌شود و برون داد آن

صورت آوایی را، سخنگویان زبان به صورت عینی تولید می‌کنند. هدف دستور زایشی تهیه کردن ساده‌ترین دستور ممکن برای زبان است و سادگی در واج‌شناسی از طریق تعداد نشانه‌هایی که برای بازنمایی زیرساختی است و همین‌طور قواعدی که بتوان آن‌ها را به بازنمایی آوایی ارتباط داد، اندازه‌گیری می‌شود. در واج‌شناسی زایشی، هر قاعده واجی از سه بخش تشکیل شده است الف. بخش آوایی که تغییر می‌کند؛ ب. چگونگی تغییر و ج. محیط یا بافت آوایی خاصی که تغییر واجی در آن صورت می‌گیرد.

### ۵.۱.۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

#### ۱.۵. معرفی همخوان‌ها و واکه‌های گویش آباده طشک

نظام واکه‌ای در گویش آباده طشک شامل واکه‌های /o/e/a/ (واکه‌های کوتاه) و /ū/i/ā/ (واکه‌های بلند که این شش واکه‌ها با واکه‌های زبان فارسی معیار یکسان است) و چهار صوت /ow/oy/ey/ay/ (واکه‌های مرکب) هستند. البته در فارسی رسمی واکه مرکب «ow» به صورت «ov» تلفظ می‌شود و واکه مرکبی بوده که از قدیم در زبان فارسی وجود داشته است. مانند zōwγ ذوق که در گویش آباده طشک و دماوندی به شکل zowγ تلفظ می‌شود. همچنین واکه مرکب «ey» واکه‌ی قدیمی دیگری در زبان فارسی بوده است مانند واژه‌های dey - دی و mey - می. اما نجفی سال‌ها پیش مرکب بودن دو واکه ey - ای و ow - ا را در فارسی معیار رد کرده بود (۸۷، ۹۸، ۱۳۵۶).

واکه‌های گویش آباده طشک به صورت زیر است: مطالعات فرهنگی

a واکه‌ای است پیشین، گسترده، باز

ā واکه‌ای است پسین، گرد، باز

ū واکه‌ای است پسین، گرد، بسته

O واکه‌ای است پسین، گرد، نیمه بسته

ī واکه‌ای است پیشین، گسترده، بسته

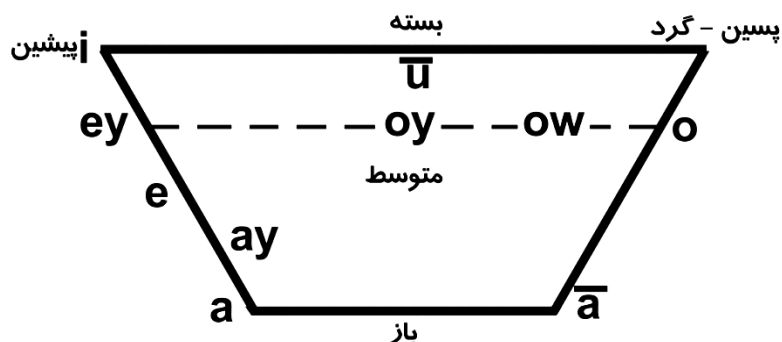
e واکه‌ای است پیشین، نیمه گسترده، نیمه بسته

ay واکه‌ای است پیشین، گسترده، باز

oy واکه‌ای است پسین، نیمه بسته، گرد

ow واکه‌ای است پسین، گسترده، باز

## جدول دستگاه واکه‌های گویش آباده طشک



در این گویش به مانند زبان فارسی معیار ۲۳ همخوان دیده می‌شود و همخوان «ژ» (ǰ) (به مانند گویش علامرو دشتی، از گویش‌های جنوب استان فارس) بیشتر با صدای همخوان ǰ در آغاز نام‌های خاص مثل (jilā - جیلا. jāle - جاله به کار می‌رود) جز در آغاز اسم‌های خاص (ژاله، ژیلا و غیره) در آغاز واژه‌های دیگر کاربرد ندارد و یا در موارد اندک، در وسط واژه به کار می‌رود. مانند rāždūne - رازیانه. در مجموع، این همخوان در گویش مورد نظر کاربرد اندکی دارد. هم چنین در این گویش همخوان «ع» عربی وجود ندارد و تلفظ نمی‌شود. برای نمونه در واژه‌های «jafar - جعفر، āmū - عمو، elm - علم»، «ع» در وسط کلمه به کلی حذف می‌شود و در آغاز کلمه هم صدای چاکنایی ʔ تلفظ می‌شود.

دیگر این که در این گویش، همخوان‌های گرفته شده از عربی یا ترکی مانند (ع، غ، ق، ح) هنگام گفت و گو به کار نمی‌رود و به جای این همخوان‌ها، همخوان‌های فارسی جانشین می‌شوند. مثلاً به جای «غ» عربی «ځ» فارسی و یا ایرانی شرقی، به جای «ق» همخوان «ځ» و به جای «ح» همخوان «h» به کار می‌رود.

همخوان‌های گویش آباده طشک به شرح زیر هستند: p, b, t, d, k, g, ʔ, .γ, f, v, s, š,

z, ž, x, h, č, j, r, l, m, n, y

/ʔ/ در زبان فارسی و گویش آباده طشک، در آغاز کلمات قرار گیرد و اصولاً هیچ واژه‌ای

در این زبان با واکه شروع نمی‌شود و باید توجه داشت کلمات نظیر آن جا، ایران، ابر، اردک و مانند این‌ها در ظاهر با واکه شروع می‌شوند، از نظر آواشناسی یک همزه مقدم بر واکه دارند که



این همزه، واج اول آن‌ها به شمار می‌آید. بنابراین این کلمات یاد شده را به ترتیب چنین آوانگاری می‌کنند:

آن جا - ʔānjā ʔabr - ابر - ʔirān - ایران ʔordak - اردک .

جدول دستگاه همخوان‌های گویش آباده طشک

محل تولید نحوه تولید	دولبی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی - کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی یا حلقی
انفجاری (انسدادی)	p b		t d				K g	γ	ʔ
سایشی		F v	S Z		ʒ š			x	h
انسدادی - سایشی					J č				
غلطان (لرزشی)				r					
کناری				l					
خیشومی	m			n					
نیم واکه (روان)						y			

#### -توزیع واج‌ها

الف- توزیع همخوان‌ها همه همخوان‌های گویش آباده طشک می‌توانند در اول، وسط و آخر هجا قرار گیرند. به جز همخوان «h» که در آخر هجا نمی‌آید. مانند čāh - چاه čā.

ب- توزیع واکه‌ها همه واکه‌های گویش آباده طشک می‌توانند در وسط و آخر هجا قرار گیرند.

#### ۲.۵. ساختمان هجا

ساختمان هجای هر زبانی با توجه به قواعد واجی آن زبان ترکیب‌هایی از واج‌ها را جایز می‌داند و در برخی موارد محدودیت‌هایی را برای این ترکیب‌ها قائل می‌شود. ساختمان هجا در زبان فارسی عبارت از یک رشته آوایی پیوسته است که از یک واکه و یک تا سه همخوان

تشکیل می‌یابد، واکه به منزله مرکز یا هسته یا محور هجاست و همخوان در حکم حاشیه آن است (نجفی، ۱۳۹۰: ۶۵). هجاهای این گویش، همانند هجاهای زبان فارسی معیار است. صرف نظر از کوتاهی و یا بلندی و باز یا بسته بودن واکه آن می‌توان به سه گروه CV، CVC و CVCC تقسیم نمود. مانند *pā*، *pir*، *pors*. بنابراین از نظر ساختمان هجا این گویش تفاوتی با فارسی معیار ندارد.

گویش آباده طشک	فارسی
/cv/	/cv/
/cvc/	/cvc/
/cvcd/	/cvcd/

### ۳.۵. تفاوت‌های آوایی در واژگان متفاوت در آباده طشک و فارسی

واژه‌های این گویش را در مقایسه با واژه‌های فارسی رسمی به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف- گروهی که کاملاً متفاوت هستند. مانند

گویش آباده طشک	فارسی
<i>bowo</i>	پدر
<i>dede</i>	خواهر
<i>kākā</i>	برادر

طبق بررسی‌های به عمل آمده، واژه‌هایی که مرتبط با روابط خانوادگی و خویشاوندی هستند در این گروه قرار می‌گیرند و این واژگان در مقایسه با واژگان فارسی کاملاً متفاوت هستند.

ب - گروهی که کاملاً یکسانند، مانند

گویش آباده طشک	فارسی
<i>dard</i>	درد
<i>sard</i>	سرد
<i>tarik</i>	تاریک

پ- گروهی که باهم تفاوت آوایی دارند، این تفاوت‌ها دارای انواع زیر است:

۱- تفاوت در نوع صداها که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - تفاوت در واکه‌ها که عبارتند از:

/ā/ فارسی پیش از همخوان‌های خیشومی /m/ و /n/ به /ū/ تبدیل می‌گردند.

[همخوان‌های خیشومی] /ā → ū/

فارسی	گویش آباده طشک
جان	Jān
شام	šām
شانه	šāne
جامه	Jāme

/ā/ فارسی پیش از همخوان /h/ در آباده طشک به همان شکل است، و /h/ نیز می

افتد

ā → a/[h]

فارسی	گویش آباده طشک
راه	rāh
کلاه	koṭāh
کاه	kāh

/a/ فارسی پیش از همخوان /b/ در برخی موارد به واکه مرکب /ow/ تبدیل می‌شود، و

/b/ نیز می‌افتد، [a → ow/b]

فارسی	گویش آباده طشک
لب	Low
آب	ow
شب	šow
تب	tow
سبز	sowz
کبک	kowk

/a/ فارسی مقابل /e/ گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

فارسی گویش آباده طشک

*āhen* *āhan* آهن

*hena* *harā* حنا

/a/ فارسی در این گویش از آغاز کلمه زیر می‌افتد:

فارسی گویش آباده طشک

*nār* *anār* انار

/o/ فارسی مقابل /e/ این گویش در بعضی واژه‌ها:

فارسی گویش آباده طشک

*dēsman* *dōsman* دشمن

*belan* *boland* بلند

*dextar* *doxtar* دختر

*zelm* *zolm* ظلم

/o/ فارسی مقابل /ā/ این گویش در بعضی از واژه‌ها:

فارسی گویش آباده طشک

*xānek* *xonak* خنک

*kāne* *kohne* کهنه

/ū/ فارسی مقابل /i/ این گویش در بعضی از واژه‌ها:

فارسی گویش آباده طشک

*sizan* *sūzan* سوزن

*Jije* *Jūje* جوجه

/ū/ فارسی مقابل /o/ گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

فارسی گویش آباده طشک

*soxtan* *sūxtan* سوختن

*doxtan* *dūxtan* دوختن

/i/ فارسی مقابل /e/ گویش آباده طشک در برخی واژه‌ها:

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>rextan</i>	<i>rixtan</i>	ریختن
<i>bextan</i>	<i>bixtan</i>	بیختن

ب- تفاوت در نوع همخوان‌ها

*b/* فارسی مقابل */f/* و */v/* گویش آباده طشک در واژه‌ی زیر:

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>zaft</i>	<i>zabt</i>	ضبط
<i>tavar</i>	<i>tabar</i>	تبر
<i>var</i>	<i>bar</i>	بر

*d/* فارسی مقابل */t/* گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها:

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>laqat</i>	<i>lagad</i>	لگد

*d/* فارسی در پایان بعضی واژه‌های این گویش می‌افتد:

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>can</i>	<i>cand</i>	چند
<i>belan</i>	<i>boland</i>	بلند
<i>zi</i>	<i>zūd</i>	زود
<i>ban</i>	<i>band</i>	بند
<i>xon</i>	<i>xānd</i>	خواند

*f/* فارسی مقابل */b/* این گویش در بعضی واژه‌ها

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>nesb</i>	<i>nesf</i>	نصف

*h/* فارسی مقابل */x/* این گویش در بعضی از واژه‌ها

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>bextar</i>	<i>behtar</i>	بهتر

*r/* فارسی مقابل */l/* گویش آباده طشک در بعضی واژه‌ها

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>qil</i>	<i>qir</i>	قیر
<i>šekāl</i>	<i>šekār</i>	شکار
<i>kolk</i>	<i>kork</i>	کرک
<i>balg</i>	<i>barg</i>	برگ
<i>zahle</i>	<i>zahre</i>	زهره

حذف /t/ فارسی در پایان بعضی از واژه های گویش آباده طشک

گویش آباده طشک	فارسی	
<i>rās</i>	<i>rāst</i>	راست
<i>xās</i>	<i>xāst</i>	خواست
<i>pūs</i>	<i>pūst</i>	پوست
<i>das</i>	<i>dast</i>	دست
<i>mas</i>	<i>mast</i>	مست

#### ۴.۵. فرایندهای آوایی در گویش آباده طشک

واحدهای آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب دستخوش تغییراتی می‌شوند. این نوع تغییرات را فرایندهای آوایی گویند. دگرگونی‌های آوایی فارسی در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی جدید وجود داشته است که می‌توان به مواردی اشاره کرد حذف برخی از واج‌ها، ابدال (تبدیل برخی از واج‌ها به واج‌های دیگر)، افزایش واکه یا در آغاز واژه و یا در میان دو همخوان، قلب (جا به جایی واج‌ها) و یا حتی در برخی از واژه‌ها بیش از یک دگرگونی رخ می‌دهد، مانند (ابدال و حذف، ابدال و قلب، قلب و حذف و ...) در این گویش مانند همه ی زبان‌ها تحولات آوایی نام برده صورت می‌گیرد (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴: ۱۸۵).

در گویش آباده طشک دگرگونی‌های آوایی آشکاری روی می‌دهد؛ بدین سان که در بسیاری از واژه‌ها همخوانی به همخوان دیگر «بدل» می‌شود یعنی در آن‌ها «ابدال» رخ می‌دهد و یا برخی از همخوان‌ها می‌افتد یعنی «حذف» در آن‌ها صورت می‌گیرد و در بعضی دو همخوان جا به جا می‌شوند یعنی در آنها «قلب» روی می‌دهد..

نمونه‌هایی از انواع تغییرات آوایی در زیر ارائه می‌گردد:

## ۱.۴.۵. حذف

«یکی از مهم‌ترین تحولات صوتی فارسی، حذف برخی از واج‌هاست. حذف واجی در مواضع مختلف یعنی آغاز، میان و پایان واژه‌ها رخ داده است» (باقری، ۱۳۷۶: ۱۴۰). فرآیند حذف برخی از همخوان‌ها در گویش آباده طشک:

۱- حذف آغازین

حذف *a* در آغاز واژه

*anār = nār* انار

*ātas = tas* آتش.

۲- حذف میانین

حذف *d* در میان واژه

*gandom = gannem* گندم

*rūdxāne = rūxūne* رودخانه

*harābandān = herābanūn* حنابندان.

۳- حذف پایانی (به دلیل فرآیند سایشی شدگی در زبان اتفاق افتاده است)

حذف *t* در گروه *st*

*māst = mās* ماست

*dast = das* دست

*hast = has* هست

حذف *t* در گروه *st*

*dāst = dās* داشت

*hest = hes* گذاشت، نهاد

حذف *d* در گروه *nd*

*boland = belan* بلند

*band = ban* بند

$gūsfaṇd = gosban$  گوسفند

- حذف  $z$  در پایان واژه بعد از واکه ها

$ciṣ = ci$  چیز

امروز  $emnūz = emnū$

هنوز  $hanūz = hani$

- حذف  $h$  در پایان واژه بعد از واکه ها

$gāh = ga$  گاه.

- حذف حروف ساکن به ویژه در پایان واژگان

کتف  $ketf = kat$

دوغ  $duq = du$

تلخ  $talx = tal$

سست  $sost = ses$ .

۲.۴.۵ ابدال (تبدیل)

«گاهی در یک واژه، یک واج به واج دیگری مبدل می‌شود، بی‌آنکه بتوانیم برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی یا دگرگونی توجیهی بیابیم» (باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۰). دکتر معین ذیل واژه ابدال چنین آورده است «بدل کردن، تاخت زدن، به جای چیزی گرفتن یا دادن یا گذاشتن. قرار دادن حرفی به جای حرف دیگر برای دفع ثقل و سنگینی. یکی از اقسام نه‌گانه وقف مستعمل چون تبدیل تاء به ها در رحمت و رحمه» (معین، ۱۳۸۵: ۶۳). ملک الشعرا بهار، ابدال حرفی به حرف دیگر را از نوامیس تطور هر زبان می‌داند (بهار، ۱۳۸۸: ۲۳۰). بهار، دلایل این فرایند واجی را چنین بیان می‌کند «...هرگاه توجه و نگاهداری و تهیه قوانین و آیین‌ها و دستورهای علمی در کار نباشد به تدریج لغات و ترکیبات و اصوات و آخرالامر حروف یک زبان از میان می‌رود، غالباً یک حرف جای یک حرف دیگر را می‌گیرد و صوتی به جای اصوات می‌نشیند...» (بهار، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

همگونی گاهی یک واکه یا همخوان در اثر همنشینی با همخوان دیگری، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان یا واکه



مجاور خود را می‌پذیرد. همگونی بر دو بخش همگونی همخوان‌ها و همگونی واکه‌ها تقسیم می‌شود

-تبدیل  $r$  به  $l$  (تبدیل واج لثوی واکدار به جفت بی واک خود صورت گرفته است)

$zarar = zalal$  ضرر

$tār = tāl$  تار، تار مو

$γir = γil$  قیر

$barg = balg$  برگ

- تبدیل  $b$  به  $v$  (تبدیل واج انسدادی (گرفته) به واج سایشی یا غلتی)

$tabar = tavar$  تیر

$xabar = xavar$  خبر

$bāz = vāz$  باز

- تبدیل  $b$  به  $f$  (تبدیل واج انسدادی (گرفته) به واج سایشی یا غلتی)

$nabs = nafs$  نبش

$sabt = saft$  ثبت

$zabt = zaft$  ضبط

$tanāb = tanāf$  طناب

- تبدیل  $f$  به واکه  $ow$

$afsār = owsār$  افسار

$derafs = derows$  درفش

- تبدیل واکه کوتاه  $a$  به واکه بلند  $\bar{a}$

$anū = \bar{a}mū$  عمو

$añs = \bar{a}rūs$  عروس

- تبدیل واکه  $i$  به  $e$

$rismān = resnūn$  ریسمان

$rixtan = rextan$  ریختن

$bixtan = bextan$  بیختن.

### ۳.۴.۵. قلب

اصطلاح قلب در زبان‌شناسی برای اشاره به تغییر در ترتیب عادی عناصر به کار می‌رود، به طوری که در زنجیره آوایی، ترتیب خطی  $xy$  به صورت  $yx$  درمی‌آید (هیوم، ۲۰۰۱: ۲۵). قلب هم در گفتار زبان آموزان و هم در گفتار گویشوران بومی رخ می‌دهد و زمانی که صورت رایج شد و به طور مرتب از سوی گویشوران زبان به کار رفت منجر به تغییر واژگانی می‌شود. در اغلب موارد یک همخوان روان و یک واکه در این روند دخالت دارند (آرلاتو، ۱۹۸۱: ۱۲۷). و نظام واجی زبان به ناگزیر برای رفع مشکل و تضمین سهولت تلفظ از این فرایند آوایی بهره می‌برد. در گذشته فرایند قلب را پدیده‌های بی قاعده و منحصرأ نشأت گرفته از اشتباهات کنشی، زبان کودکان یا تغییرات آوایی می‌دانستند و این دیدگاه در بسیاری از منابع زبان‌شناسی نیز ذکر شده است (هیوم، ۲۰۰۱: ۷۷). قلب در مواردی مانند اشتباهات کنشی، لغزش‌های زبانی و جابه‌جایی آواها نیز قابل رویت است.

در گویش آواده طشک برخی واژگان دو هم خوان جا به جا می‌شوند یعنی در آن‌ها «قلب» روی می‌دهد.

- جا به جایی  $f$  با  $l$   $\psi fl = \psi lf$  قفل.

- جا به جایی  $z$  با  $r$   $na\underset{v}{z}r = na\underset{v}{r}zr$  نذر.

- جا به جایی  $t$  با  $r$   $ca\underset{v}{t}r = ca\underset{v}{r}t r$  چتر،  $atr = art$  عطر.

- جا به جایی  $k$  با  $s$   $ak\underset{v}{s} = ask\underset{v}{s}$  عکس.

- جا به جایی  $s$  با  $x$   $no\underset{v}{s}xe = no\underset{v}{x}se$  نسخه.

- جا به جایی  $t$  با  $l$   $sa\underset{v}{t}l = sa\underset{v}{l}t$  سطل.

- جا به جایی  $f$  با  $q$   $sa\underset{v}{q}f = sa\underset{v}{f}q$  سقف.

### ۴.۴.۵. افزایش

گاهی تحت شرایطی، یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود. فرایند اضافه، تابع قواعد نظام صوتی زبان است. هرگاه در ترکیب آواها با هم، نوعی هم‌نشینی بین واحدهای

زبانی به وجود آید که براساس طبیعت آوایی زبان، ثقیل باشد یا بر خلاف نظام صوتی زبان باشد، برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار افزوده می‌شود (حق شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۹). رایج‌ترین نوع این فرایند را می‌توان افزایش همخوان‌های میانجی ذکر کرد که به دلیل التقای واکه‌ها رخ می‌دهد (قلی فامیان و بصیرت، ۱۳۹۳: ۹۸). «دلیل افزایش واج میانجی را می‌توان سهولت تلفظ دانست؛ چراکه امکان تلفظ دو واک؛ پشت سر هم ناممکن یا دشوار است (نمیرانیان و آقایی، ۱۳۸۶: ۶۷).

- افزایش  $g$  به پایان واژه  
 $ney = neyg$  نی.

- افزایش واکه کوتاه  $e$  به آغاز واژه

$eskam$  باردار، آبستن

$esnoftan$  شنیدن

$esmordan$  شمردن.

##### ۵. نتیجه‌گیری

گویش‌های ایرانی بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور هستند و نگهداری و نگهداری و به‌ر برداری از این گویش‌ها به عهده‌ی کسانی است که بر فرهنگ ایران دلبستگی دارند. این گویش‌ها، به مثابه آینه تمام‌نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنه وسیعی از ایران زمین می‌زیستند و به راستی سرمایه بسزا و نیکی است که در بر دارند. هویت ملت ماست. گویش آباده طشک برگرفته از گویش لری و گویش لری از گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است که هر دوی آن‌ها (زبان لری و زبان فارسی) دنباله پارسی میانه هستند. امروزه گویش لری در منطقه آباده طشک کم و بیش در حال منسوخ شدن است و هر چند در لهجه فارسی مردمان آباده طشک اثر گذشته است اما دیگر به گویش لری کسی گفت و گو نمی‌کند. گسترش تکنولوژی و رشد وسایل ارتباط جمعی و پدیده مهاجرت روستاییان به شهرها، گویشوران از روی اجبار یا حتی میل، بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند؛ در نتیجه

این رویدادها، گویش‌ها در معرض فراموشی و خطر نابودی قرار می‌گیرند. بنابراین ضروری است که با مطالعه و پژوهش‌های پی در پی این گویش‌ها گردآوری و ثبت شوند.

بر اساس آن چه گفته شد، موارد زیر را می‌توان به عنوان نتیجه بحث، مطرح کرد:

- تعداد همخوانهای گویش آباده طشک و فارسی یکی است اما لزماً توزیع یکسانی ندارند. تعداد و کیفیت واکه‌های کوتاه و بلند ساده در آباده طشک مانند فارسی معیار است اما در این گویش سه واکه مرکب نیز وجود دارد. هجاهای گویش آباده طشک، همانند هجاهای زبان فارسی معیار است. صرف نظر از کوتاهی و یا بلندی و باز یا بسته بودن واکه، می‌توان آنها به سه گروه CV، CVC و CVCC تقسیم نمود.
- واژه‌های گویش آباده طشک را در مقایسه با واژه‌های فارسی رسمی به سه گروه می‌توان تقسیم کرد گروهی کاملاً متفاوت، گروهی کاملاً یکسان و گروهی که با هم تفاوت آوایی دارند که این قسمت خود به دو بخش الف) تفاوت در همخوان‌ها و ب) تفاوت در واکه‌ها تقسیم می‌گردد.
- بر اساس بررسی‌های انجام شده، در فرایندهای آوایی گویش آباده طشک، دگرگونی‌های آوایی آشکاری روی می‌دهد؛ بدین‌سان که در بسیاری از واژه‌ها همخوانی به همخوان دیگر بدل می‌شود یعنی در آنها «ابدال» رخ می‌دهد، در برخی از واژه‌ها، همخوان می‌افتد یعنی «حذف» در آن‌ها صورت می‌گیرد، در بعضی از واژه‌ها دو همخوان جا به جا می‌شوند یعنی در آنها «قلب» روی می‌دهد و در بعضی از آن‌ها یک همخوان اضافه می‌شود یعنی در آن‌ها «افزایش» رخ می‌دهد.

#### منابع

- ۱- ایزدپناه، حمید. (۱۳۶۳). فرهنگ لری. چاپ دوم. تهران: آگاه.
- ۲- آراتو، آنتونی. (۱۳۷۳). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرس، تهران: سمت.
- ۳- احمدخانی، محمدرضا و لطیفی، آناهیتا. (۱۳۹۸). بررسی برخی از فرایندهای واجی در گویش بروجردی در مقایسه با فارسی معیار با تلفیقی از رویکرد واج‌شناسی زایشی و نظریه بهینگی. فصل‌نامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۷ (۲۴).

- ۴- باطنی، محمد رضا. (۱۳۶۴). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ۵- باقری، مه‌ری. (۱۳۷۶). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: قطره.
- ۶- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *تاریخ زبان فارسی*. چاپ چهاردهم. تهران: قطره.
- ۷- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۸). *سبک‌شناسی یا تطور نثر فارسی*. چاپ سوم، جلد اول. تهران: زوار.
- ۸- بی‌جن‌خان، محمود. (۱۳۹۴). *واج‌شناسی (نظریه بهینگی)*. تهران: سمت.
- ۹- ثمره، یدالله. (۱۳۶۴). *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۰- حاجت‌پور، حمید. (۱۳۸۲). *زبان تالشی (گویش خوشاب)*. دوشنبه: ناشر دیوشتیچ.
- ۱۱- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۵۶). *آواشناسی*. تهران: آگاه.
- ۱۲- رضایی، جمال. (۱۳۷۷). *بررسی گویش بیرجند (واج‌شناسی - دستور)*. انتشارات هیرمند.
- ۱۳- صفوی، کوروش. (۱۳۶۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی*. تهران: بنگاه و ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- قلی‌فامیان، علیرضا و بصیرت، وحید. (۱۳۹۳). *تحلیل فرایندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی*. فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، ۶ (۱۳).
- ۱۵- کلباسی، ایران. (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایرانی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۶- لایارد سراوستن هنری و دیگران. (۱۳۷۱). *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*. ترجمه مه‌راب امیری. تهران: فرهنگ سرا.
- ۱۷- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۶۴). *ساخت آوایی زبان*. چاپ چهارم. مشهد: آستان قدس.
- ۱۸- معین، محمد. (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی یک جلدی*. عزیزالله علیزاده (گردآورنده). چاپ سوم. تهران: راه‌رشد.
- ۱۹- مقیمی، افضل. (۱۳۷۳). *بررسی گویش بویراحمد و...* چاپ اول. شیراز: نوید شیراز.
- ۲۰- ناتل‌خانلری، پرویز. (۱۳۷۳). *دستور تاریخی زبان فارسی*. چاپ سوم. تهران: توس.
- ۲۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *تاریخ زبان فارسی (سه جلد)*. چاپ هفتم. تهران: فرهنگ‌نشر نو.
- ۲۲- نمیرانیان، کتایون و آقایی، جعفر. (۱۳۸۶). *بررسی آواشناسی گویش کوردهی*. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۶ (۴).

۲۳- وحیدیان کامیار ، تقی. ( ۱۳۷۰ ). *حرف های تازه در ادب فارسی*. چاپ هفتم. دانشگاه اهواز .

۲۴- \_\_\_\_\_ ( ۱۳۷۹ ). *نوای گفتار در فارسی*. چاپ اول. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۲۵- همتی ، ابوذر. ( ۱۳۶۹ ). *فرهنگ تطبیقی واژگان گویش لری ممسنی با واژگان فارسی نو و میانه*. پایان نامه کارشناسی ارشد . دانشگاه شیراز .

۲۶- یاوریان ، اکبر. ( ۱۳۸۵ ). *واژنامه لری*. چاپ اول. خرم آباد: افلاک .

۲۷- روبینز، آر اچ. (۱۳۸۱). *تاریخ مختصر زبان شناسی*. ترجمه علی محمد حق شناس، تهران: بی نا.

28- Samarin, W. J.(1967). *Field Linguistics A guiding linguistic fieldwork*. New York: NY Holt, Reinhart, & Winston.

29- Yule, G. (1996). *The Study of Language*. Cambridge University Press.



## **Investigation of phonetic processes in Abadeh Tashk dialect in comparison with ٲstandard Persian Using Generative phonology**

**Faranak Ramezani**

**Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht, Iran**

Received:04/04/2021      Accepted: 10/10/2021

### **Abstract**

The purpose of this study is a contrastive analysis of grammar loss, addition, or change of voice adjectives, noun governing the genitive and noun in the genitive, number, pronouns, infinitives, affixes, verb and sealence usage, the place of stress and the comparison of words. For each mentioned case illustrative examples are offered.( people who live in Abadeh tashk are from lashani tribe which is one of lori,s tribes).In fact,this article intend to compare Lori and Farsi. The dialect of Lori which is the deep structure of the dialect of Abadeh tashk is closely related to modern Farsi. regarding grammatical and Lexical structure. The dialect of the village of Abadeh tashk undergoes clear pheonological change. In many words a consonant is changed to another consonant, that is, it undergoes alteration, or some consonants are omitted that is, elision occurs. In some words, two consonants replace each other that is reversal happens in them. In some other cases are in a word insertion happens. It sometimes happens that in a word more than one change occur, In other words, elisionand reversal. Alteration and reversal, alteration and insertion and or all happen to gether. In the dialect under study,in most case elision,alteration. Reversal, increase and elision and reversal happen.

**Keywords:** Phonological Change, Dialect of Abadeh Tashk, Persian Language, Phonological Processes, Dialectology